

بزرگترین آرزوی مصححان بیرون آمدن نسخه ها از گوشه کتابخانه هاست



میرهاشم محدث در دومین روز از ماه خرداد سال ۱۳۳۱ در خانواده ای فرهنگی در باچنار تهران به دنیا آمد. خاندان او همه عالمان دین و ادب بوده اند. پدرش استاد فقیه دانشکده های ادبیات و الهیات دانشگاه تهران دکتر میرجلال الدین محدث ارموی و دایی هایش جلال آل احمد و شمس آل احمد و دایی مادرش علامه فقیه شیخ آقا بزرگ طهرانی مؤلف بزرگترین کتابنامه تشیع الذریعه هستند. تصحیح و چاپ حدود چهل جلد کتاب از متون مهم تاریخی فارسی همچون: مرآة الشرق تألیف جیمز مرداک، خلد برین (بخش صفویه) تألیف محمد یوسف واله اصفهانی قزوینی، آتشکده آذر (بخش دوم) تألیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، تقویم التواریخ، تألیف حاجی خلیفه چلبی، مشکوه المسافرین (سفرنامه تبریز عتبات)، تألیف علی اکبر مشکوه السلطان، یوسف و زلیخا، سروده شهاب ترشیزی، فهرس التواریخ، تألیف رضا قلی خان هدایت، مجمع النفایس، تألیف سراج الدین علی خان آرزو، صحف ابراهیم، تألیف علی ابراهیم خان خلیل بنارلی، نظام التواریخ، تألیف فاضی ناصرالدین بیضاوی، نجوم السماء فی تذکره العلماء، تألیف محمدعلی آزادکشمیری برخی از آثار استاد میرهاشم محدث است.

استاد **میرهاشم محدث** در گفت و گو با مرکز پژوهشی میراث مکتوب معتقد است نخستین و بزرگترین مشکل مصححان به دست آوردن نسخه های خطی و بیرون آمدن این نسخه ها از گوشه کتابخانه ها است.

در دو دهه اخیر بحث بر روی تصحیح متون قوت گرفته است. به عقیده شما بزرگترین مشکل مصححان ما چیست؟

شاید نخستین و بزرگترین مشکل ما مصححان به دست آوردن نسخه های خطی است. برای مثال من هفته قبل به یک کتابخانه رفتم و درخواست یک سی دی دادم و هم اکنون یک هفته از آن زمان گذشته است، هنوز نامه من را رئیس کتابخانه امضا نکرده است و این خود باعث معطلی در کار می شود. حتی از کتابخانه ای مانند کتابخانه آستان قدس رضوی در این سی سال من

توانسته ام یک نسخه خطی به امانت بگیرم. بسیاری کتابخانه های قدیمی و مرجع هستند که مشکلات و موانع بسیاری بر سر راه مصحح ایجاد می کنند.

یکی از مشکلاتی که امروز مطرح می شود ورود افراد غیر متخصص به حوزه تصحیح متون است. روند این معضل بر روی این حوزه چه تأثیرات منفی را به دنبال داشته است؟

اولین مشکل بر سر راه کار تصحیح، خواندن نسخه ها است و مصحح باید این قدر آشنا باشد که به آسانی یک نسخه خطی را که چهارصد و یا پانصد سال پیش نوشته شده بخواند. دومین لازمه آن، کمی دانستن زبان عربی است. در تمام متون فارسی ما اصطلاحات عربی، آیات، احادیث و روایات به کار رفته است و سوم داشتن صبر، حوصله و عشق است و من کسانی را می شناسم که قدم در این وادی گذاشته و یک یا دو کتاب چاپ کرده اند و چون دیدند عاقبت مادی ندارد این کار را رها کرده اند.

معضل دیگری هم اکنون به وجود آمده است انتشار گزیده متون تصحیح شده است که در بسیاری از موارد ناشران آثار دست به چنین اقدامی می زنند. از دیدگاه شما برای حل این مشکل باید چه کرد؟

من نگران این مسئله نیستم و بزرگترین نگرانی من بیرون آمدن نسخه ها از گوشه کتابخانه ها است. یعنی هیچ کاری از اول کامل نبوده است، حتی متونی که خود من آنها را تصحیح کرده ام. من هرگز ادعایی به کارهایی که کردم ندارم و روی کتاب هایم نوشته ام تصحیح انتقادی یا اگر شخص دیگر خواسته کتاب را تصحیح کند مانع او شوم، بلکه خوشحال هم شده ام. فقط خوشحالی من این است که از گوشه کتابخانه ها یک یا دو نسخه را بیرون بکشم و ده هزار نسخه در اختیار مردم قرار دهم. به قول استاد شفیع کدکنی همان طور که در اروپا متداول است تمام آثار گذشته را مصححین جدید تصحیح کرده اند. در ایران هم آرزوی ما این است کتاب های بهتر ویرایش، تصحیح و تجدید چاپ شود.

اشاره کردید از مشکلات مصححان انحصار نسخه ها در کتابخانه ها است برای مثال کتابخانه مجلس نسخه های خود را در قالب یک سی دی در اختیار پژوهشگران قرار داد.

باید پست هایی که داده می شود به افرادی داده شود که لیاقت آن را دارند. تنها موضوعی که در ایران حامی و سرپرست ندارد، نسخه های خطی است و رئیس هر کتابخانه فکر می کند مالک نسخه های خطی است. آقای جعفریان مگر فرشته بود که در عرض چهارسال هر نسخه از کتابخانه مجلس را که می خواستی در هر سایتی می توانستی پیدا کنی. در حقیقت این نسخه ها باید رایگان در اختیار محققان و مصححان قرار بگیرد.

یکی از موضوعاتی که هم اکنون فراموش شده است فرهنگی برای وقف در کتاب است و مردم در گذشته در چاپ کتاب مشارکت می کردند. برای احیای سنت وقف در کتاب باید چه کرد؟

من یادم هست حاج آقای رحیمی باعث و بانی نشر برخی کتاب های پدر من می شدند و پول چاپ کتاب را می دادند و بعد می گفتند ۱۰۰۰ جلد را در اختیار مراجع قرار دهید تا آنها، این کتاب ها را به صورت رایگان در اختیار طلاب علوم دینی قرار دهند و این خود نوعی وقف است. ز از طریق مطبوعات و رسانه ها فرهنگسازی شود.

حال چه شرایطی باید ایجاد شود که ارتزاق نویسندگان از راه قلمشان باشد و در کنار کار تحقیق به شغل دیگری نپردازد؟

من از این دید به این موضوع نگاه نمی‌کنم و معتقدم نباید به یک فرد تنها حقوق داد که بنویسد . باید کمک‌های جمعی به اهل علم کنند. برای مثال نسخه‌ها را رایگان در اختیار مصححان قرار دهد و یا ارشاد آثار آنها را خریداری کند.

کاهش بودجه بخش فرهنگ تا چه اندازه به فرهنگ کشور آسیب رسانده است؟

متأسفانه در دنیای معاصر تبلیغات تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی برای سیاست می‌شود برای فرهنگ نمی‌شود و همه فکر می‌کنند سیاست نقش اصلی را دارد در حالیکه سیاست بی‌فرهنگ معنی ندارد و استوار نخواهد بود بنابراین حکومت مدارها باید بر روی فرهنگ سرمایه‌گذاری بیشتری بکنند.

منبع: موسسه پژوهشی میراث مکتوب